

The Necessity Of Criminalizing Risky Economic Behaviors In The Field Of Sports

Salar Rahimi: PhD student in Criminal Law and Criminology, Department of Criminal Law and Criminology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran. salar.r.law@gmail.com

Mohammad Ebrahim Shams Natri: Associate Professor, Department of Law, University of Tehran (Farabi Campus), Qom, Iran. (Corresponding author).

eshams@ut.ac.ir

Seyyed Mahmoud Mirkhalili: Professor, Department of Law, University of Tehran (Farabi Campus), Qom, Iran. mirkhalili@ut.ac.ir

Shahrdad Darabi: Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

shahrdad.darabi@iau.ir

Abstract

Background and Objective: The lack of appropriate criminalization of risky economic behaviors in the field of sports increases corruption and weakens the economic system of society. This article, while evaluating risky economic behaviors in the field of sports, also explains the necessity of criminalizing them. **Materials and Methods:** In the present study, the library method was used to collect information, and the descriptive-analytical method was used to analyze the findings. **Findings:** Sport is considered a positive phenomenon in all societies because its fundamental role in promoting a healthy lifestyle is significant. The existence of large financial resources, attractiveness, and development of sport have caused sport to be exposed to destructive phenomena such as corruption. In general, corruption hinders economic and social development, and corruption in sport reduces social capital and is a serious obstacle to the development of sport in societies. Compared to economic crimes, risky economic behavior in the field of sports sometimes causes very serious damage to the country's economic system. The findings indicate that the lack of appropriate criminalization of risky economic behavior in the field of sports causes the perpetrator and even others to engage in such behavior. Abnormal behaviors such as rent-seeking, influence-peddling, and abuse of position in obtaining cars or unconventional facilities without adequate guarantees, astronomical wages, and other such things increase due to the lack of an appropriate legislative mechanism, and perpetrators easily escape the clutches of the criminal justice system. This leads to increased economic corruption in the field of sports, public dissatisfaction, and the decline of the country's economic system. **Conclusion:** Criminalizing risky economic behaviors in the field of sports not only removes the fear of committing such behaviors on the part of perpetrators and others, but also has a preventive aspect (especially in the case of calculating perpetrators). As a result, one of the necessities of combating such behaviors is criminalizing them.

Keywords: Sports, criminalization, risky economic behaviors in the field of sports, economic crimes, economic corruption, legislative mechanism.

Received: 2024/02/29 ; **Revised:** 2024/05/01 ; **Accepted:** 2024/06/18; **Published online:** 2024/06/25

Article type: Research Article

Publisher: Qom Islamic Azad University

© the authors



ضرورت جرم‌انگاری رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی در حوزه ورزش

سالار رحیمی: دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

salar.r.law@gmail.com

محمدابراهیم شمس ناتری: دانشیار گروه حقوق، دانشگاه تهران (پردیس فارابی)، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

eshams@ut.ac.ir

سید محمود میرخلیلی: استاد گروه حقوق، دانشگاه تهران (پردیس فارابی)، قم، ایران.

mirkhalili@ut.ac.ir

شهرداد دارابی: دانشیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

shahrdad.darabi@iau.ir

چکیده

زمینه و هدف: عدم جرم‌انگاری متناسب در مورد رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی در حوزه ورزش باعث افزایش فساد و تضعیف نظام اقتصادی جامعه می‌شود. این مقاله ضمن ارزیابی رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی در حوزه ورزش، ضرورت جرم‌انگاری آن را نیز تبیین می‌کند. مواد و روش‌ها: در پژوهش حاضر، برای گردآوری اطلاعات، از روش کتابخانه‌ای، و برای تحلیل یافته‌ها از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. یافته‌ها: ورزش در همه جوامع به عنوان یک پدیده مثبت مطرح است چراکه نقش اساسی آن در ترویج سبک زندگی سالم قابل توجه است. وجود منابع مالی زیاد، جذابیت و توسعه ورزش سبب شده است که ورزش در معرض پدیده‌های مخرب همچون فساد قرار گیرد. به طور کلی فساد مانع توسعه اقتصادی و اجتماعی است و فساد در ورزش سبب کاهش سرمایه اجتماعی و یک مانع جدی برای توسعه ورزش در جوامع است. در مقایسه با جرایم اقتصادی، رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی در حوزه ورزش گاه آسیب‌های بسیار جدی به نظام اقتصادی کشور وارد می‌کنند. یافته‌ها حاکی از آن است که عدم جرم‌انگاری متناسب در مورد رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی در حوزه ورزش، باعث تجرّی مرتکب و حتی دیگران در ارتکاب این‌گونه رفتارها می‌شود. رفتارهای ناهنجاری همچون رانت‌خواری، اعمال نفوذ، و سوءاستفاده از موقعیت در دریافت خودرو یا تسهیلات نامتعارف بدون تضمین متناسب، دستمزدهای نجومی و مواردی از این دست، به دلیل نبود سازوکار مناسب تقنینی، افزایش می‌یابند و مرتکبان به راحتی از چنگال نظام عدالت کیفری می‌گریزند. همین امر موجبات افزایش فساد اقتصادی در حوزه ورزش، موجب نارضایتی مردم، و افول نظام اقتصادی کشور را فراهم می‌کند. نتیجه‌گیری:

جرم‌انگاری رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی در حوزه ورزش علاوه بر آن که بیم ارتکاب چنین رفتارهایی از ناحیه مرتکبان و دیگران را برطرف می‌کند، جنبه پیشگیرانه (خصوصاً در مورد مرتکبان حسابگر) نیز دارد. در نتیجه، یکی از ضرورت‌های مقابله با چنین رفتارهایی، جرم‌انگاری آنهاست.

کلیدواژه‌ها: ورزش، جرم‌انگاری، رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی در حوزه ورزش، جرایم اقتصادی، فساد اقتصادی، سازوکار تقنینی.

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم © نویسندگان.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۴/۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۰

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۱۱/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۹

مقدمه

ورزش در همه جوامع به عنوان یک پدیده مثبت مطرح است چراکه نقش اساسی آن در ترویج سبک زندگی سالم قابل توجه است. وجود منابع مالی زیاد، جذابیت و توسعه ورزش سبب شده است که ورزش در معرض پدیده های مخرب همچون فساد قرار گیرد. به طور کلی فساد مانع توسعه اقتصادی و اجتماعی است و فساد در ورزش سبب کاهش سرمایه اجتماعی و یک مانع جدی برای توسعه ورزش در جوامع است. از سوی دیگر یکی از مهم ترین اهداف در وضع قوانین، حفظ نظم عمومی و ایجاد رضایت حداکثری در جامعه است. قانون هر کشوری باید ضامن حقوق شهروندان آن جامعه باشد. اگر تدوین کنندگان قانون به هنگام طرح و تصویب آن به این امر توجه لازم را نداشته باشند، در جامعه به علت نارضایتی هرج و مرج به وجود می آید یا حتی از جامعه پایمال خواهد شد. یکی از حوزه های بسیار مهم و چه بسا مهم ترین آن ها تقنین و اجرا در حوزه اقتصاد است. قانون گذاری در این حوزه را می توان بر دو رکن استوار دانست: تنظیم روابط و تعاملات اقتصادی به گونه ای که همه اقشار جامعه از دسترسی برابر به حقوق و مزایای اقتصادی برخوردار شوند؛ و در برابر قانون پاسخ گوی رفتارهای اقتصادی خویش باشند. نارسایی قانون در هریک از این دو رکن، باعث برهم خوردن تعادل اقتصادی و در نتیجه، به بار آمدن ناهنجاری ها و محرومیت گاه حداکثری از حقوق و مزایایی می شود که مقصود از وضع قوانین در حوزه اقتصاد، حفظ و حراست از آن بوده است. بر اثر این نارسایی ما با برخی ناهنجاری ها و انحرافات در حوزه های مختلف اقتصاد مواجه می شویم که ناشی از رفتارهای اشخاص حقیقی یا حقوقی است و منشأ آن، نقص سیستم تقنینی یا قضایی است. نمونه ای از این ناهنجاری ها و انحرافات که تحت عنوان «رفتارهای مخاطره آمیز اقتصادی» از آن یاد می شود، به رفتارهایی می پردازد که شخص (حقیقی یا حقوقی) دست به رفتاری می زند که کیان اقتصادی جامعه را به خطر می اندازد، اما فقدان قوانین یا نارسایی آن ها باعث می شود شخص یادشده را نتوان در قبال رفتار ارتكابی پاسخ گو کرد و مانع رفتاری شد که نظام اقتصادی جامعه را به خطر انداخته است. برای جبران این نارسایی باید در قانون تعریف و مجازات متناسب با این رفتارها مقرر شده باشد. گاه این رفتارها با آموزه های دینی، اخلاقی و عرفی نیز تعارض دارند و موجب آسیب جدی به سایر افراد جامعه می شوند، اما قانون یا به آن نپرداخته یا چنان که باید، حکم آن رفتارها را روشن نکرده است. در نتیجه، مرتکبان این گونه اعمال، به دلیل فقدان یا نقص رکن قانونی و عدم امکان پیگیری قضایی، از تعقیب و مجازات در امان می مانند. اهمیت مسأله در این است که چه بسا رفتارهای ایشان که قانون گذار توجهی بدان نشان نداده، مخرب تر از رفتارهایی باشد که مطمح نظر قانون گذار قرار گرفته و درباره آن ها تدابیر حقوقی اندیشیده شده است. این رفتارها در عمل، خسارت های اقتصادی بسیار به بار می آورند و مرتکبان نیز از چنگ نظام عدالت کیفری می گریزند. مرتکبان این رفتارها را می توان بزه کاران بسیار خطرناکی دانست که در عین ظرفیت جنایی بالا، قابلیت انطباق اجتماعی چشمگیری دارند. بر همین اساس، ممکن است اهمال نظام تقنینی در جرم انگاری این گروه همچنان ادامه یابد؛ گروهی که می توان آنان را مجرمان یقه سفید و یقه طلایی دانست. ممکن است نظام تقنینی به دلیل امتیازات ویژه این افراد، دچار مصلحت اندیشی شود.

بدین ترتیب، ما در برخورد قانونی با برخی از این افراد، با فقدان رکن قانونی جرم روبه‌رو می‌شویم. کسانی هم که از رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی این اشخاص به ویژه در بانک‌ها، شرکت‌های تعاونی مسکن، شرکت‌های خصوصی و دولتی دچار خسران می‌شوند، کم نیستند؛ اما به دلایل پیش‌گفته امکان طرح دعوی به شکل مطلوب را نیز ندارند. به نظر می‌رسد که این رفتارها را می‌توان «جرایم بدون بزهکار!»^۹ نامید. در حقوق کیفری با اصل کمینه حقوق کیفری و رویکرد جرم‌زایی و قضازدایی مواجهیم؛ اما با توجه به نکات یادشده و پیشگیری از رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی، جرم‌انگاری آن اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. این مبحث را می‌توان همچون زمیولوژی زیرمجموعه‌ای از جرم‌شناسی انتقادی دانست؛ با این تفاوت که در زمیولوژی ما به دنبال رفتارهای مخاطره‌آمیز اجتماعی هستیم، اما در مبحث فعلی به دنبال مقابله با رفتارهایی هستیم که نظام اقتصادی را مختل کرده، موجبات آسیب‌های فراوان به نظام اقتصادی جامعه را فراهم می‌کنند. از این رو، امید است که با بررسی موضوع این طرح و اجرای آن، گامی در جهت جلوگیری از رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی، مبارزه با فقر و مشکلات معیشتی اقشار نابرخوردار یا کمتر برخوردار جامعه برداشته شود.

عمل فساد در ورزش نه تنها سبب تضییع حقوق فرد یا گروهی از افراد می‌شود بلکه سبب کاهش سرمایه اجتماعی شده و مانع جدی برای توسعه ورزش در جوامع است. در ایران نیز در سال‌های اخیر پدیده فساد در ورزش مورد توجه پژوهشگران، روزنامه‌نگاران و برخی مقامات دولتی واقع شده است که به برخی پرونده‌های مرتبط رسیدگی شده و سرنوشت برخی از پرونده‌ها نیز به‌رغم جنجال گسترده در نزد افکار عمومی همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

بنابراین ممکن است در هر سطحی از ورزش (باشگاهی یا ملی)، در رشته‌های ورزشی متفاوت و به اشکال مختلف بروز پیدا کند. از این رو داشتن نگاه جامع و توجه به عوامل مؤثر بر شکل‌گیری فساد ضرورت دارد.

۲- مفهوم رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی

برای درک بهتر رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی، ضروری است که در آغاز، با مفهوم جرم اقتصادی در نظام عدالت کیفری ایران آشنا شده، اجمالاً وجوه افتراق جرم اقتصادی و رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی را بررسی کنیم.

گری بکر جرم اقتصادی را «رفتار مجرمانه‌ای» تعریف می‌کند «که نوعاً با انگیزه کسب سود یا امتیاز مادی ارتکاب یافته و نتایج نهفته یا آشکار آن، اخلال در نظام اقتصادی است» (بکر، ۱۹۹۵، ۱۲، ۹).

برخی از حقوقدانان همچون نیکولاس کولوز و ژان-لوک بچر جرم اقتصادی را چنین تعریف می‌کنند: «به جرم‌هایی که به منظور دسترسی به یک امتیاز مالی ارتکاب می‌یابند، جرم اقتصادی می‌گویند، با این حال، این امر مانع از آن نیست که با ارتکاب این نوع جرایم، امتیازهای غیر مالی نیز تحصیل شود» (بچر و کولوز، ۲۰۰۷،

برخی از حقوق دانان داخلی چنین برداشتی از جرایم اقتصادی داشته‌اند که «جرایم اقتصادی مجموعه رفتارهایی هستند که کارکرد، الزامات و نظم نهادها و فرایندهای نظام اقتصادی را دچار اختلال اساسی می‌کنند» (حسنی، ۱۳۹۳، ۸۱-۸۲).

همان‌گونه که مشاهده می‌شود از تعاریف موجود در حوزه جرایم اقتصادی، می‌توان دریافت که مرتکبان آن‌ها، به دنبال سود و منفعت شخصی هستند، اما این سودجویی لزوماً به نظام اقتصادی کشور لطمه نمی‌زند؛ در حالی که در تعریف رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی، لطمه به نظام اقتصادی، از مقومات تعریف است و در این جرایم با رفتارهایی مواجهیم که صرف‌نظر از انگیزه کسب منافع مالی، خواسته یا ناخواسته به پیکره نظام اقتصادی نیز آسیب گسترده وارد می‌شود.

نکته قابل توجه آن که تعریف جرم در رویه تقنینی برخی از کشورها مرسوم نیست و معمولاً قانون‌گذاران با بیان نوع رفتار و تمثیل، اقدام به جرم‌انگاری می‌کنند. همین رویه در نظام تقنینی ایران نیز در مواردی از جرایم به چشم می‌خورد؛ از جمله برای جرایم اقتصادی، در قوانین کیفری ایران برای آن ضمانت اجرا تعیین شده، اما تعریفی از جرم اقتصادی بیان نشده است. بنابراین به طریق اولی، در بحث رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی نیز، در قوانین کیفری ایران، تعریفی نخواهیم یافت؛ زیرا اساساً این رفتارها جرم‌انگاری نشده‌اند.

در پژوهش حاضر، بحث در مورد جرایم اقتصادی نیست، بلکه رفتارهای مخاطره‌آمیزی مطرح نظرند که هنوز جرم‌انگاری نشده‌اند و این رفتارها چه بسا آثار مخربی به مراتب سهمگین‌تر از جرایم اقتصادی در بر داشته باشند؛ به تعبیری، در پژوهش حاضر بحث بر سر رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی است که هنوز به مرحله جرم‌انگاری نرسیداند.

رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی را می‌توان رفتارهای انحرافی و مفسادی در نظر گرفت که اشخاصی، عمدتاً بانفوذ و برخوردار از رانت بالا، مجرمان یقه سفید یا یقه طلایی، مرتکب آن‌ها می‌شوند؛ و در هیچ‌یک از متون قوانین جاری جرم‌انگاری نیز نشده‌اند. با این وصف، همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، این‌گونه انحرافات و ناهنجاری‌ها در جامعه چنان نمود پیدا می‌کنند که گویی «جرایمی بدون بزهکارا» هستند.

در نتیجه، می‌توان گفت که عنوان رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی به رفتارهایی اطلاق می‌شود که به‌رغم آسیب گسترده به منافع اقتصادی عمومی، و به خطر انداختن آن‌ها، به دلیل عدم اطلاع فوری قربانیان این رفتارها از تضییع حقوقشان و نارسایی قوانین در حوزه حقوق کیفری، پیگرد و مقابله با آن دشوار است. از این رو، علاوه بر بدون بزهکار بودن این رفتارها، می‌توان آن‌ها را بدون بزه‌دیده^{۱۱} قلمداد کرد. بدون بزه‌دیده در این‌جا به این معنا نیست که عمل موردنظر با رضایت قربانی همراه است، بلکه ممکن است قربانیان آن حتی از تضییع حق و قربانی شدن خویش مطلع نیز نشوند؛ و معمولاً نیز چنین است. به تعبیر دیگر، رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی را می‌توان نوعی اخلاق گسترده در نظام اقتصادی کشور قلمداد کرد که قانون‌گذار، آن رفتارها را بدون ضمانت اجرا رها کرده است. همچنین می‌توان رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی را مبتنی بر

دروغ و تزویر دانست که خواسته یا ناخواسته در سطحی کلان به پیکره جامعه آسیب وارد می‌آورند؛ و از جمله این آسیب‌ها، مخدوش و تحریف کردن رقابت قاعده‌مند است. طبق قاعده عقلایی، نتایج یک رقابت سالم مثلاً در حوزه امور تجاری، ورزشی یا یک رقابت سیاسی دموکراتیک، به تفاوت در توانایی و شایستگی رقابت‌کنندگان بستگی دارد. اما اگر اشخاص (حقیقی یا حقوقی) در این حوزه‌ها نه با اتکا به توانایی یا شایستگی، بلکه از نوعی امتیاز انحصاری برخوردار باشند که پیروزی آن‌ها در رقابت، تضمین‌شده به شمار آید، قاعده رقابت برهم می‌خورد و اساساً رقابت معنای خود را از دست می‌دهد - و گویی توزیع توانایی و مهارت بین افراد حاضر در رقابت تحریف شده است. مثلاً خودروسازان داخلی این امکان را داشته باشند که با توسل به دروغ، امنیت و کیفیت محصولات خود را در مقایسه با خودروسازان خارجی، بالاتر از آنچه هست معرفی کنند یا ورزشکاری اجازه دوپینگ پیدا کند. نتیجه در این موارد، از پیش تعیین شده و به نفع یکی از طرفین، جایگزین نتیجه رقابت می‌شود (برای نمونه، پیروزی در انتخابات با توسل به تقلب و وعده‌های دروغین اقتصادی نامزدهای انتخاباتی ریاست جمهوری برای غلبه بر کاندیداهای رقیب) (گسن، ۱۳۹۳، ۱۷-۱۸).

در بحث مفهوم رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی، بررسی و تحلیل وجوه افتراق و اشتراک آن با جرایم اقتصادی لازم به نظر می‌رسد.

رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی، با سوءاستفاده از رانت و قدرت تفویض‌شده در جهت منافع بعضی از اشخاص صورت می‌گیرند، اعم از این‌که در بخش خصوصی باشند یا بخش دولتی، و در آن، ویژگی مرتکب (صاحبان قدرت و مستخدمان دولتی یا وابستگان به دولت) موضوعیت دارد؛ اما مرتکب جرایم اقتصادی می‌تواند هر شخصی از اشخاص جامعه باشد، اعم از کارکنان دولت یا دیگر طبقات اجتماعی (میرسعیدی و زمانی، ۱۳۹۲، ۱۶۸).

البته این بیان که فساد را نتیجه جرم اقتصادی بدانیم و فرض کنیم فساد زمانی گسترش می‌یابد که جرم اقتصادی شایع شود، در اغلب موارد، نمی‌تواند تحلیل صحیح و دقیقی باشد. به نظر می‌رسد تحلیل برخی از حقوقدانان غربی به واقع نزدیک‌تر است که دقیقاً نظری متفاوت دارند و بر این باورند که جرم اقتصادی نتیجه رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی است (لوپز - ری، ۲۰۰۱، ۱۹۳).

در ادامه برای درک بهتر مطلب، به نمونه‌هایی از رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی درحوزه ورزش نیز اشاره می‌شود که به دلیل عدم جرم‌انگاری و عدم ضمانت اجرای کیفری، رخ داده‌اند.

۳- رفتارهای مخاطره‌آمیز در حوزه ورزش

به‌طور مثال یکی از جنجالی‌ترین پرونده‌ها مربوط به قرارداد ۲/۲ میلیون یورویی با مارک ویلموتس مربی بلژیکی در خرداد ۱۳۹۸ بود؛ درحالی‌که قرارداد این مربی پیش از حضور در ایران با ساحل عاج نزدیک به ۶۰۰ هزار یورو بوده است و همچنین طبق اعلام رسانه‌های خارجی قرارداد سالیانه این مربی بلژیکی بعد از جدایی از

ایران با راجای کازابلانکا حدود ۴۸۰ هزار یورویی بوده است پس از فسخ قرارداد ویلموتس با شکایت این مربی در دادگاه حکمیت ورزش، فوتبال ایران محکوم به پرداخت غرامت ۳ میلیون و ۳۲۵ هزار یورویی شد که صدمات جبران ناپذیر به بدنه اقتصادی ورزش و جامعه از محل بیت‌المال وارد کرد. در یک نمونه دیگر، رئیس هیئت تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی از وزارت ورزش و جوانان درخصوص عملکرد فدراسیون سوارکاری، ده مورد نقض قوانین و تخلف از مقررات که متضمن ارتکاب اعمال مجرمانه است را گزارش داده است (نجفی و همکاران، ۱۴۰۰) «دوپینگ»، «هویت و تبارنامه اسب‌ها»، «عدم پرداخت حق عضویت فدراسیون»، «تعارض منافع»، «تشکیک در میکروچیپ‌ها»، «انعقاد قراردادهای غیرقانونی»، «واردات غیرقانونی و فساد در واردات اسب»، «تباری و تحصیل اموال نامشروع»، «دی‌ان‌ای‌های تکراری» و «فرایند ارسال» از جمله مصادیق تخلفات صورت گرفته است همچنین در اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۲ کیفرخواست یکی از رؤسای فدراسیون‌های ورزشی به جرم اختلاس صادر شد. در کیفرخواست مربوطه به یازده تخلف اشاره شده که هشت مورد آن اختلاس است.

شاید یکی از مهمترین شیوه‌های ارتباط ورزش با اقتصاد، ورود سرمایه داران به عرصه‌های مختلف ورزش و تلاش برای حمایت مالی در این حوزه است (ماسون و همکاران، ۲۰۰۶، ۵۵؛ کودی و جکسون، ۲۰۱۶، ۳۷۸). به نظر میرسد که یکی از انگیزه‌های اصلی توجه سرمایه داران به ورزش این است که سرمایه‌گذاری در ورزش

راهی برای فرار از مالیات فراهم میکند و به سرمایه‌داران کمک میکند که از بستری مطلوب برای فعالیتهای اقتصادی خود بهره‌گیرند (رابرتز و چادوویک، ۲۰۱۸، ۳). حامیان مالی به واسطه ورود به ورزش میتوانند وام‌های مختلفی را از راه‌های متعدد دریافت کنند و عالوهر رهایی از پرداخت مالیات، بتوانند از بستر بسیار مساعد ورزش و پخش تلویزیونی، برای تبلیغات و افزایش آگاهی اجتماعی استفاده کنند (فریک، ۲۰۰۹، ۸۸). براساس گزارش‌های منتشرشده، مهمترین منابع درآمدی در باشگاه‌های ورزشی، خرید و فروش بازیکنان، تبلیغات روی پیراهن و مبلغی است که بخش‌های سازماندهنده مسابقات برای حق پخش تلویزیونی به باشگاه میدهند (انجمن فوتبال، ۲۰۰۸، ۱۳۲؛ مکارتی، سانتن و فیدلر، ۲۰۱۵، ۱۵۰-۱۵۳). در بسیاری موارد، بیشتر باشگاه‌های دولتی با کسری بودجه بسیاری مواجه خواهند بود. در چنین شرایطی، مدیران باشگاه‌ها برای جبران کسری بودجه خود، به روش‌ها و راهکارهایی مختلف نظیر جذب منابع مالی مختلف متوسل خواهند شد. شفافنبودن مناسبات باشگاه‌ها، نبود مرزی مشخص میان درآمدهای شخصی و تیمی و نیز ابهام و سردرگمی در چگونگی کسب هزینه‌های مالی از منابع مختلف، دست به دست هم میدهند که زمینه‌های بروز رفتارهای

^۱ - خبرگزاری مهر (۱۴۰۰)، عنوان خبر: تفاوت باورنکردنی رقم قرارداد «ویلموتس» با ایران و باشگاه مراکشی: ۵۳۴۸۴۳۳. !کد خبر
(<https://www.mehrnews.com/news/5348433>)

مخالف قانون فراهم شوند (جانسون، ۲۰۰۶، ۱۳۶) نبود قوانین و مقررات برای تعیین میزان حق پخش تلویزیونی

و نابسامانی در ارتباطات متقابل سازمانهای برگزاری مسابقات ورزشی و پخش تلویزیونی، این منبع درآمدی باشگاههای ورزشی را دچار وضعیتی پیچیده کرده است (هانگ، ۲۰۱۶، ۲۵۳). این شرایط با فراهمکردن بسترهای لازم برای بروز انواع رفتارهای مجرمانه، خود به نابسامانی و فساد اقتصادی در عرصه ورزش منجر خواهد شد انجمن فوتبال، ۲۰۰۸، ۱۲۸؛ فریک، ۲۰۰۹، ۹۰). دراین راستا، چادویک (۲۰۱۴) در پژوهش خود بیان میکند که یکی از چالشهای مهم و معاصر در سازمانهای ورزشی، وجود بسترهای بروز فساد به ویژه فساد اقتصادی و پولشویی است. علاوه براین، وندزندی (۲۰۱۷) در پژوهشی بیان میکند که به دلیل وجود تجارت مجازی و افزایش شبکه های اینترنتی، بسیاری از فعالیتهای اقتصادی در بستر مجازی انجام میشوند که در چنین مجاری، خدمات پرداخت امور مالی بستری مناسب برای پولشویی فراهم می آورند. (دنیایی و همکاران، ۱۳۹۸، ۲۲-۲۱)

از دیگر بسترهای ایجاد فساد که ممکن است با مواردی چون رشوه در ارتباط باشد بحث اعزام ورزشکاران و تیمهاست. در همین ارتباط رئیس یکی از فدراسیونهای رزمی در سال ۱۴۰۱ با قرار دادن نام یک فرد غیرورزشکار و بدون ارتباط با ورزش در لیست نفرات اعزامی یک سبک، برای او روادید کشور اروپایی گرفت^۲ در یک مورد دیگر طبق گزارش تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی در سال ۱۴۰۱ از فساد و اختلاس شرکت فولاد مبارکه سپاهان که در مردادماه ۱۴۰۱ در صحن علنی مجلس شورای اسلامی قرائت شد، به مبلغ قرارداد سرمربی تیم سپاهان اشاره شده است. در گزارش مذکور به افزایش رقم قرارداد یکی از مربیان از ۲٫۵ میلیارد تومان به ۷ میلیارد تومان در (فصل ۹۹-۹۸) اشاره شده است. همچنین باشگاه سپاهان باید بعد از استعفای مربی در اواخر فصل، بخشی از قرارداد او را کسر می کرده که این اقدام انجام نشده و همین مورد قابل شک است^۳

^۲ - خبرگزاری تسنیم (۱۴۰۱). عنوان خبر: تخلف در یک فدراسیون؛ اعزام دوست رئیس فدراسیون به اروپا به جای ورزشکار. کد خبر: ۲۸۴۲۶۶۴

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/14012842664/05/11/>

^۳ - خبرگزاری تسنیم (۱۴۰۱). عنوان خبر: گزارش کامل تحقیق و تفحص مجلس از فولاد مبارکه/کشف ۹۰ عنوان تخلف از پولشویی تا رانت ۹۱ هزار میلیاردی + جدول. کد خبر: ۲۷۶۰۳۰۷

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/14012760307/28/05/>

نمونه دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، رفتارهای مخاطره‌آمیز ی‌ر اعطای خودرو بدون نوبت به ورزشکاران است. دولت یکبار در سال ۱۳۹۲ و بار بعدی ی‌ر سال ۱۴۰۲ مجوز واردات خودرو به اعضای تیم ملی فوتبال ایران را به تصویب رساند.^۴ البته هیات عمومی دیوان عدالت اداری ی‌ر مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۲۸ تصویب نامه‌های هیات وزیران در مورد واردات خودروهای خارجی توسط فوتبالیست‌ها را ابطال کرد.^۵ در رای دیوان عدالت اداری دلایل ابطال این مصوبه به این نحو بیان شده است:

مصوبه مصداق تبعیض ناروا و خلاف اصل سوم قانون اساسی است.

عدم رعایت شرایط ماده ۴ قانون ساماندهی صنعت خودرو

عدم رعایت شرط ماده ۱۷ قانون صادرات و واردات

عدم رعایت شرایط ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی قانون مقررات صادرات و واردات و ماده ۴۰ قانون امور گمرکی

عدم شمول معافیت گمرکی در ماده ۱۱۹ قانون امور گمرکی و سایر قوانین بر خودروی سواری خارجی

عدم شمول شرایط ماده ۱۳۸ آیین‌نامه اجرایی قانون امور گمرکی بر خودروی خارجی

وضع این مصوبه خارج از اختیار هیئت وزیران بوده است

حال در نظر بگیرید که افراد زیادی در سطح جامعه، نیازمند خودرو هستند و با این رفتار مخاطره‌آمیز اقتصادی، زمینه رقابت سالم در خرید خودرو از میان می‌رود و باعث آسیب اقتصادی عمومی به افراد جامعه می‌شود. در این صورت، با وضعیتی روبه‌رو هستیم که نمی‌توان آن نمایندگان را به دلیل عدم جرم‌انگاری مناسب، تحت پیگرد قضایی قرار داد.

همه این نمونه‌ها از رفتارهای مخاطره‌آمیز تنها بخش کوچکی از این دست رفتارها است که نظام اقتصادی جامعه را دچار بیماری و تزلزل می‌سازد، بدون آن که قوانین محکمی برای مقابله با آن‌ها در اختیار داشته باشیم.

۴- عوامل مؤثر در بروز فساد ورزشی

از آنجاکه فساد یک عمل متقلبانه است و به صورت پنهان و رازگونه صورت می‌گیرد بنابراین در مورد اینکه به طور مشخص فساد به چه دلیلی رخ می‌دهد توافق اندکی وجود دارد. طبق مدل مثلث تقلب (دونالد کرسی، ۱۹۷۰) اعمال متقلبانه زمانی به وقوع می‌پیوندد که سه شرط انگیزش، فرصت و توجیه منطقی به صورت توأمان وجود داشته باشد. ادعا شده است که جهت ارتکاب به تخلف و تقلب شرایط، عامل تعیین‌کننده است نه صفات شخصیتی. بر این اساس قاعده ۱۰-۱۰-۸۰ مطرح شده است

^۴ - <https://www.entekhab.ir/fa/news/751935>

^۵ - تاریخ دادنامه: ۲۸/۹/۱۴۰۲ شماره دادنامه: ۱۴۰۳۳۱۳۹۰۰۰۲۵۲۴۱۳۰

(Ong AS. Think First, Act Later, or Act First, Think Later: Does the Fraud Triangle Hold When Individuals are Impulsive. Journal of Forensic and Investigative Accounting. 2022 Jan;14(1):11-38.)

طبق این قاعده ۱۰ درصد از افراد تحت هیچ شرایطی به اعمال متقلبانه دست نمی‌زنند و ۱۰ درصد از افراد نیز به‌طور فعالانه در جست‌وجوی فرصتی هستند تا مرتکب تقلب شوند. همچنین ۸۰ درصد باقی مانده ذاتاً به‌دنبال اعمال متقلبانه نیستند، اما هیچ تضمینی برای این اکثریت وجود ندارد که تا آخر عمرشان مبری از تقلب و تخلف باشند. بنابراین به‌نظر می‌رسد مدل مثلث تقلب و ترکیب اضلاع این مثلث (انگیزه، فرصت و توجیه منطقی) توجیه خوبی برای ارتکاب به اعمال متقلبانه در این افراد (۸۰ درصد اکثریت) باشد. انگیزه‌ها (ممکن است ناشی از تغییرات ناگهانی محیطی، مورد ظلم واقع شدن، بقا، یا فشارهای وضعیتی باشد) درواقع به فرد یک نوع فشار را برای انجام تقلب اعمال می‌کند. در مرحله بعد زمانی که شرایط مهیا باشد و سیستم‌های نظارتی وجود نداشته باشند یا در صورت وجود، این سیستم‌ها ناکارآمد، بدون پیگیری و بدون پایش باشند، فرصت تقلب برای فرد مهیا می‌شود. ضلع سوم مثلث تقلب توجیه منطقی است. حتی اگر برای انجام یک عمل متقلبانه انگیزه و فرصت وجود داشته باشد، بیشتر مردم اقدام خاصی انجام نمی‌دهند مگر اینکه خودشان را از نظر منطقی متقاعد کنند و تقلب را توجیه نمایند

(Saluja S, Aggarwal A, Mittal A. Understanding the fraud theories and advancing with integrity model. Journal of Financial Crime. 2022 Sep 30;29(4):1318-28..)

در ادبیات پژوهشی برخی مؤلفه‌های دیگر به مدل مثلث اضافه شده که درک بیشتری را نسبت به چگونگی وقوع تقلب و عمل بزهکارانه ارائه می‌دهد. (شفیعی، ۱۳۹۷، ۳۹-۶۶) به‌طور کلی بررسی نظریه‌های تقلب نشان می‌دهد که عمل متقلبانه متأثر از تعامل مؤلفه‌های مختلف همچون موقعیت، فرصت، انتظارات، پاداش و انتخاب‌هاست. از این‌رو سازمان‌ها و دولت‌ها جهت مقابله با اعمال بزهکارانه باید بر مؤلفه‌هایی که امکان کنترل آن بیشتر است توجه داشته باشند. از آنجاکه فساد یک پدیده پیچیده است بنابراین انتظار نمی‌رود که براساس یک نظریه خاص بتوان آن را به‌طور کامل شرح داد. علاوه‌بر مباحث پایه اشاره شده به‌طور مشخص در زمینه فساد تئوری کارفرما-کارگزار و تئوری کنش جمعی مورد توجه پژوهشگران است. طبق تئوری کارفرما-کارگزار کارگزار (مدیر) در جهت منافع کارفرما (صاحب کار) به خدمت گرفته می‌شود، اما در واقعیت منافع کارگزار (مانند افزایش ثروت خود) با منافع کارفرما (رسیدن به بالاترین ارزش سرمایه) تعارض دارد و از آنجاکه کارفرما نمی‌تواند به‌صورت روزانه اقدامات مدیر را دنبال کند تا بفهمد این اقدامات در جهت منافع مالک است یا خیر، بنابراین نوعی عدم تقارن اطلاعات به‌وجود می‌آید و همین امر زمینه بروز فساد را در جهت منافع مدیر و به زیان کارفرما ایجاد می‌کند. بنابراین طبق این تئوری جهت مقابله با فساد دو راهکار استفاده از مشوق‌ها (شامل تقویت ارتباط کارفرما و مدیر و ایجاد انگیزش در مدیر) و استفاده از روش‌ها (پایش و نظارت) پیشنهاد شده است. در تئوری کنش جمعی بر اهمیت عواملی مانند اعتماد و نحوه درک افراد از رفتار دیگران تأکید شده است. مطابق این تئوری فساد نظام‌مند یک مشکل جمعی در نظر گرفته شده چراکه افراد رفتارهای خود را براساس رفتار دیگران در موقعیت مشابه توجیه می‌کنند. بنابراین زمانی که فساد به‌هنگار اجتماعی تبدیل

می‌شود همه آن را به‌عنوان راهی برای انجام کارها در نظر می‌گیرند. بنابراین طبق این تئوری راهکار مقابله با فساد اتخاذ رویکردهای جمعی و هماهنگ است.

بنابر آنچه که گفته شد فساد یک پدیده پیچیده شامل انجام یکسری اعمال متقلبانه در جهت کسب منافع فردی است که در ورزش طیف گسترده‌ای را شامل می‌شود. در مطالعات انجام شده در ورزش ایران مصادیق مختلفی از فساد در ورزش گزارش شده که در جدول ۱ مصادیق فساد ورزشی در ایران براساس انواع فسادهای گزارش شده در ورزش آمده است.

اعمال بزهکارانه	فساد سازمانی	فساد مربوط به رقابت
فساد اخلاقی (روابط نامشروع، سوء استفاده، مصرف مواد و نوشیدنی‌های الکلی)	اختلاس، دزدی و کلاهبرداری	دوپینگ
جعل	تبانی (در تغییر نتیجه انتخابات سازمانی، تبانی در تحصیل مال نامشروع)	تبانی (در تغییر نتیجه رقابت)
پول‌شویی	پارتی‌بازی	صغر سنی
فرار مالیاتی		
دلالی (در صورتی که متقلبانه و کلاهبردارانه باشد)		
شرط‌بندی		
استفاده شخصی از اموال دولتی		

جدول ۱: مصادیق فساد ورزشی در ایران (منبع: رنجبر، ۱۴۰۲)

همچنین عوامل مؤثر بر وقوع فساد ورزشی از نگاه پژوهشگران مورد بررسی قرار گرفته است. در جدول ۲ عوامل مؤثر بر فساد ورزشی در ایران و راهکارهای پژوهشگران ارائه شده است.

عوامل مؤثر بر فساد ورزشی	راهکارهای پیشنهادی محققان
عوامل اقتصادی (عدم ثبات اقتصادی، تورم، حقوق و مزایای نامناسب کارکنان، عدم امنیت شغلی و ...)	رسیدگی به مشکل اقتصادی کارکنان، افزایش حقوق و مزایا براساس تورم
عوامل ساختاری (تکیه بر بودجه دولتی، ضعف در سیستم نظارتی، ضعف در اجرای شفافیت، نتیجه گرایی، تأکید بر ورزش قهرمانی، ضعف در فرایند انتخاب پست‌های ورزشی) سازمانی مدیریتی-اداری (ساختار)	خصوصی سازی، شایسته سالاری، تقویت سازوکارهای نظارتی، اجرای قانون، شفافیت
عوامل سیاسی (انتصاب حزبی مدیران ورزشی، دولتی بودن یا شبه دولتی بودن باشگاه‌های ورزشی)	خصوصی سازی، شایسته سالاری
عوامل فرهنگی (فرو ریختن قبح فساد در جامعه، افزایش فرهنگ مصرف گرایی، کاهش سرمایه اجتماعی)	تقویت اعتماد عمومی، تقویت فرهنگ جمع گرایی و تلاش جمعی، ترویج فرهنگ جوانمردی، ترویج فرهنگ قانون گرایی، افزایش آگاهی عمومی در مورد فساد
عوامل حقوقی و قانونی	اصلاح قوانین، مقررات و آیین نامه‌ها؛ تقویت قوانین، مقررات و آیین نامه‌ها؛ تشدید مجازات‌ها (متناسب سازی جرم و تنبیه)
عوامل شخصیتی	افزایش آگاهی فردی در مورد فساد، تقویت ارزش‌های اخلاقی، آموزش‌های روان شناختی (کمک به رفع تعارض‌های فردی)

جدول ۲: عوامل مؤثر بر فساد ورزشی در ایران و راهکارهای پژوهشگران منبع: (رنجبر، ۱۴۰۲)

۵- آثار رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی

آثار زیانبار رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی غالباً با آثار زیانبار جرایم اقتصادی مشابه است؛ اما مرتکبان رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی، غالباً از افراد ذی‌نفوذی هستند که اعمال ناهنجار و نامتعارف ایشان به مرحله جرم‌انگاری هم نرسیده و ممکن است نظام تقنینی بر اثر مصلحت‌اندیشی، تمایلی به جرم‌انگاری این رفتارها نداشته باشد، و حتی در صورت جرم‌انگاری احتمالی در آینده، دستگاه قضایی در برخورد با ایشان دچار تعلل و مشکل شود. با این وصف، آثار زیانبار رفتار این گروه، به مراتب سهمگین‌تر و سنگین‌تر از جرایم اقتصادی است. علاوه بر این، رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی معمولاً در سطح گسترده و کلان به وقوع می‌پیوندند. همه مطالب پیش‌گفته، نشان می‌دهد که رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی نسبت به جرایم اقتصادی، چه به لحاظ کمی و چه از جهت کیفی، خطر بیشتری را متوجه کیان اقتصادی کشور می‌سازند.

عرصه‌های مختلفی تحت تأثیر رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی قرار می‌گیرند و آثار زیانبار این رفتارها در عرصه‌های مختلف جامعه قابل ردیابی است؛ از جمله تأثیر این رفتارها در عرصه‌های اقتصادی، جرم‌شناختی، اجتماعی و سیاسی که به اختصار بررسی می‌شوند.

۴-۱- آثار اقتصادی

رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی همچون جرایم اقتصادی، باعث زیان به نظام تولید، توزیع و مصرف می‌شوند و به منافع اقتصادی مورد حمایت جامعه صدمه وارد می‌کنند (مهدوی‌پور، ۱۳۹۰، ۳۸)؛ با این تفاوت که رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی، به طور گسترده زمینه‌های اخلاق در نظام اقتصادی را فراهم می‌آورد؛ و برای حمایت از فعالیت‌های سالم اقتصادی، جرم‌انگاری آن امری مبرم است.

بنابراین می‌توان گفت که رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی، شالوده و شاکله اقتصادی یک جامعه را متزلزل و حتی نابود می‌کنند؛ بدین صورت که برخی از مرتکبان این‌گونه رفتارها مثلاً کسانی که دست به پولشویی می‌زنند، عواید حاصل از جرم را با درآمدهای قانونی مخلوط می‌کنند و با در دست داشتن امکانات مالی، هزینه تولید محصولات خود را کاهش می‌دهند و رقبای دیگری را که فعالیت قانونی دارند، از صحنه رقابت خارج می‌کنند. همچنین در کشوری همچون جمهوری اسلامی ایران، بر میزان بودجه دولت تأثیر می‌گذارند و در نتیجه، کنترل دولت بر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی را کاهش می‌دهند. بنابراین مرتکبان رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی، همچون مرتکبان جرم پولشویی، ثروت‌های خود را در بخش‌هایی سرمایه‌گذاری می‌کنند که هم سود بیشتری عاید آن‌ها شود و هم امکان فرار قانونی داشته باشند.

رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی به طور گسترده باعث عدم شفافیت در برخی از مناقصه‌ها و مزایده‌ها، پرداخت‌های غیرقانونی از منابع و درآمدهای مبهم، عدم عزم وصول مطالبات معوق دولتی از سازمان‌ها، ضعف نظام مالیاتی و گمرکی کشور، ضعف نظام بانکی و پولی کشور، فقدان امنیت شغلی، حمایت‌های باندی و

گروهی و حزبی از متخلفان اقتصادی، پایین آمدن سطح معیشت مردم، و اعطای مجوزهای خاص به برخی افراد و نهادها به گونه‌ای ناعادلانه می‌شود (مصطفی‌پور، ۹۵، ۵۳-۵۴).

۲-۴- آثار جرم‌شناختی

بر خلاف جرایم سنتی که عمدتاً دارای بزه‌دیده مستقیم هستند و نتیجه مجرمانه و آثار آن، اگرچه کوچک، به صورت عینی و ملموس قابل مشاهده است و قربانی جرم نسبت به آن واکنش سریع نشان می‌دهد، در رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی، قربانیان نه تنها کسانی هستند که به طور مستقیم از این گونه جرایم آسیب می‌بینند، مانند اشخاص حقوقی اقتصادی یا دولت، بلکه مردم به طور عام به عنوان مشتری، در موارد دستکاری در قیمت، کیفیت پایین محصولات یا خدمات (مانند خودروهای بی کیفیت که سالانه جان هزاران نفر از هموطنان را می‌گیرد) و حتی محیط زیست، به طور غیرمستقیم تحت تأثیر این رفتارها قرار می‌گیرند و قربانی آن‌ها می‌شوند.

رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی همچنین باعث ایجاد ناهنجاری‌هایی همچون تبعیض، معضلات اقتصادی و امثال آن در جامعه می‌شوند. این عوامل، نتیجه‌ای جز ظهور بزهکاران اتفاقی بیش‌تر در جامعه ندارد. توضیح این‌که افراد ممکن است بر اثر فشارهای خارجی و محیطی ناشی از بروز ناهنجاری‌های ایجادشده از رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی، دست به ارتکاب جرم بزنند؛ در واقع، این رفتارهای اقتصادی، اقتصاد جامعه را دچار بیماری و نابسامانی می‌کنند، و در نتیجه این اقتصاد بیمار، وضعیت معیشت عامه مردم دچار فقر و فشار می‌شود. برخی از اقشار ضعیف جامعه وقتی خود را در چنین وضعیتی بیابند، برای تأمین نیازهای اولیه خانواده خویش، ناگزیر به جرایم مالی‌ای همچون سرقت، جیب‌بری، کیف‌قاپی و ... دست می‌زنند. بنابراین از نظر جرم‌شناختی نیز جرم‌انگاری این‌گونه رفتارها ضرورت دارد.

به طور کلی نظر به این‌که مرتکبان رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی معمولاً از زمره افراد یقه‌سفید هستند، برخلاف جرایم و رفتارهای یقه‌آبی، قربانی واقعی دیده نمی‌شود. مفهوم قربانی شدن، متعاقب ارتکاب این رفتارهای غیرملموس و اعتباری است. اقتصاد عمومی، بهداشت و اعتماد عمومی، به طور گسترده قربانی واقعی این رفتارها تلقی می‌شوند؛ لذا آثار این رفتارها از منظر جرم‌شناسی آنی نیست و در طول زمان جلوه‌گر می‌شود. برای نمونه، در خصوص رفتارهایی نظیر نقض حقوق مصرف‌کنندگان، اغراق در تبلیغات و تولید کالای بی کیفیت، قربانی آنی وجود ندارد؛ و مصرف‌کننده و اقتصاد کشور به مرور زمان، از قربانی شدن خویش مطلع می‌شوند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴، ۲۲۵۸).

۳-۴- آثار جامعه‌شناختی

همان‌گونه که مشاهده شد، رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی در سطح خرد نیز می‌توانند پیامدهای ناگواری برای جامعه داشته باشند. فرضی را در نظر بگیرید که در سطح کلان، خود دولت و سیستم حاکم، مرتکب

رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی شود. در این حالت، این رفتار باعث کاهش اعتماد عمومی به حاکمیت، افزایش فقر و بیکاری، و تجمیع قدرت اقتصادی و مالی در دست مرتکبان آن رفتارها می‌شود؛ و به دنبال آن، اقتصاد ملی دچار ضعف خواهد شد. روشن است که آثار سوء این رفتارها بر جامعه، بسیار گسترده‌تر از جرایم اقتصادی خرد خواهد بود.

به هر حال، هر رفتاری که متضمن انگیزش‌های مالی و مزیت‌طلبی (مخصوصاً در سطح کلان و سازمان‌یافته) باشد، می‌تواند تحت عنوان رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی قرار بگیرد. بدین ترتیب، حتی رفتارهای ضداجتماعی یا جرایمی همچون تشکیل باندهای فحشاء یا قاچاق انسان، در زمره جرایمی محسوب شوند که به علت بی‌توجهی یا کم‌توجهی به رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی، در جامعه بروز و ظهور می‌یابند. رفتارهای ناهنجار و ضداجتماعی و حتی جرایم منافی عفت، لزوماً ارتباط مستقیمی با انگیزه‌های مالی ندارند؛ اما به هر حال، در نهایت به آن می‌انجامند. بنابراین در تعیین جرم‌شناختی، هم سود مستقیم و هم منافع غیرمستقیم می‌تواند معیاری برای تعیین رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی باشد (توسلی‌زاده، ۱۳۹۲، ۵۷).

مورد دیگر این که ما از نظر موقعیت اجتماعی و حتی روان‌شناختی در ارتکاب رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی، دوگونه مرتکب داریم: دسته‌ای که به حفظ تصویر «انسان درستکار» از خود اصرار می‌ورزند؛ و گروه دیگر، تغییر هویت داده، از یک زمان به بعد، تحت تأثیر شکل خاصی از فرایند «بلوغ جنایی» از این که به عنوان مجرمان واقعی معرفی شوند، ابایی ندارند (گسن، ۱۳۹۳، ۱۱۵-۱۱۶). بنابراین در هر دو صورت، عدم برخورد مناسب و در زمان مناسب با این رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی، می‌تواند موجب بی‌اعتمادی بیشتر افراد جامعه به مسئولان و عدم تعامل مناسب میان حاکمیت و ملت شود.

در نهایت، به اختصار می‌توان مواردی از آثار اجتماعی و جامعه‌شناختی رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی را چنین برشمرد: اسراف مسئولان؛ نابرابری و بی‌عدالتی؛ افزایش فاصله طبقاتی؛ عدم تطبیق درآمدها؛ محدود شدن راههای کسب‌وکار سالم؛ ضعف نظام اداری، اجتماعی و اقتصادی؛ عدم شایسته‌سالاری؛ عادی شدن تخلفات جزئی؛ فراهم شدن زمینه فعالیت برای افراد ناصالح؛ ناکارآمدی و ضعف مدیریت نهادهای متصدی در برخورد با ناهنجاری‌ها و قانون‌شکنان؛ تضعیف مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی؛ حاکم نبودن قوانین شفاف؛ و نهادینه نشدن نظارت و کنترل در همه سطوح.

۴-۴- آثار سیاسی

از نظر اقتصادی، جرم‌انگاری رفتارهای مخاطره‌آمیز مخصوصاً رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی دولتمردان و سطوح عالی کشور (در سطح کلان)، زمانی بیشتر اهمیت پیدا می‌کند که بیم به وجود آمدن پدیده کلپتوکراسی در کشور برود. اصطلاح دزدسالاری یا کلپتوکراسی (Kleptocracy) به نظام سیاسی‌ای اشاره دارد که حقوق عامه مردم، فدای افزایش ثروت و قدرت طبقه حاکم می‌شود. باید توجه داشت که بستر رشد این پدیده شوم در کشورهای توسعه‌نیافته و دارای نظام‌های اقتدارگرا بسیار فراهم است. دلیل این که مقابله با رفتارهای

مخاطره‌آمیز اقتصادی از نظر اقتصاد یک جامعه اهمیت ویژه‌ای دارد، همین منتج شدن به دزدسالاری در جامعه است. بودجه این کشورها از درآمد و تولیدات آن که عمدتاً از خام‌فروشی حاصل می‌شود، باید خرج زیرساخت‌های کشور شود و در خدمت رفاه و آسایش افراد آن کشور قرار گیرد. اما فرض کنیم این درآمدها همان‌گونه که بیان شد، در سطح کلان، به دست دولتمردان حیف‌ومیل شده، به تاراج رود یا در جایی غیر از جای شایسته و بایسته هزینه شود. در این حالت، سطح معیشت و رفاه مردم شدیداً تنزل پیدا می‌کند و افراد جامعه دچار تنگ‌دستی و فقر می‌شوند. در نتیجه، افراد آن جامعه نیز به دلیل فقر و نارضایتی از وضعیت اقتصادی، دست به ارتکاب جرایمی همچون دزدی، احتکار، کم‌فروشی، گران‌فروشی و نظایر آن می‌زنند تا بتوانند وضعیت اقتصادی خویش را بهبود بخشند، و بتوانند معیشت خود و خانواده خویش را تأمین کنند. در چنین وضعی، افراد چنان درگیر کشمکش‌های اقتصادی می‌شوند که از امر سیاست روی می‌گردانند و زمینه سیاست‌ورزی سالم نیز از میان می‌رود و کسانی بر سر کار می‌آیند که در فرایند کلیتوکراسی به حیف‌ومیل بیشتر منابع کشور دست می‌زنند. بنابراین اگر رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی در مرحله نخست و در سطح کلان، با اصلاح نظام سیاسی حاکم و در مرحله دوم، از طریق بهبود نظارت، کنترل و فرهنگ‌سازی یا با توسل به ابزارهای قهرآمیز قضایی، کنترل نشود، کلیتوکراسی امری حتمی خواهد بود؛ و نظام اقتصادی کشور در سطح کلان و خرد، تحت‌الشعاع آن قرار می‌گیرد. از جمله مهم‌ترین عوارض سیاسی این وضعیت، بدبینی و بی‌اعتمادی نسبت به نظام سیاسی و دولتمردان خواهد بود؛ و ناگفته پیداست که این بدبینی چه پیامدهای سهمگینی می‌تواند برای حیات و بقای جامعه و حاکمیت داشته باشد.

در نتیجه، رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی، نه تنها بر اوضاع اقتصادی تأثیر منفی گذاشته، منجر به بی‌اعتمادی در دنیای تجارت می‌شوند، بلکه آثار منفی بلندمدتی بر دموکراسی و حکمرانی مطلب و به طور کلی بر نظام سیاسی یک کشور دارند (گزارش کنگره دوازدهم سازمان ملل درباره عدالت کیفری، ۲۰۰۵، ۱۸-۲۵).

۵- مبانی جرم‌انگاری رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی

مفاسد و انحرافات اقتصادی، صرف‌نظر از این‌که به مرحله جرم‌انگاری رسیده یا نرسیده باشند، آثار زیانباری برای پیکره اقتصادی کشور و معیشت کل جامعه دارند.

ضرورت جرم‌انگاری و مقابله با رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی تا آن‌جا اهمیت پیدا کرد که در تاریخ دهم اردیبهشت ۱۳۸۰ رهبر انقلاب اسلامی فرمانی هشت ماده‌ای صادر کرد و طی آن به مبارزه با مفاسد اقتصادی انگشت تأکید نهاد. این فرمان نوعی منشور مبارزه با مفاسد اقتصادی قلمداد می‌شود. با مذاقه در این متن روشن می‌شود که حتی دستورات لازم برای مقابله با رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی نیز مشمول آن قرار می‌گیرد. این فرمان هشت ماده‌ای می‌توانست گام بزرگی در مسیر مبارزه با مفاسد اقتصادی باشد. برای نمونه ماده ۱ این فرمان به دشواری ورود به عرصه مبارزه با مفاسد اقتصادی و از جمله رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی اشاره کرده است و بیان می‌کند که «با آغاز مبارزه جدی با فساد اقتصادی و مالی، یقیناً زمزمه‌ها و

به تدریج فریادها و نعره‌های مخالف با آن بلند خواهد شد. این مخالفت‌ها عمدتاً از سوی کسانی خواهد بود که از این اقدام بزرگ متضرر می‌شوند...؛ به مسئولان خیرخواه در قوای سه‌گانه پیاموزید که تسامح در مبارزه با فساد، نوعی همدستی با فاسدان و مفسدان است» (فرمان هشت ماده‌ای به سران قوا درباره مبارزه با مفاسد اقتصادی، ۱۰ اردیبهشت ۱۳۸۰).

نکته‌ای که در این جا اهمیت دارد، این است که در جرم‌انگاری رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی، قانونگذار باید بدواً مشخص کند که منظور از جرم‌انگاری این‌گونه رفتار چیست؛ و آیا هدف، صرفاً حمایت از نظام اقتصادی دولت است یا حمایت از مالکیت فردی؛ یا این که هر دو را مطمح نظر قرار داده است؟ تعیین هدف در این باره که مبنای جرم‌انگاری کدام است، اهمیت ویژه‌ای دارد.

مبانی متعددی را می‌توان ذکر کرد که جرم‌انگاری رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی را توجیه می‌کنند. با جرم‌انگاری این رفتارها می‌توان تا حدودی الزامات هنجاری عرصه فعالیت‌های اقتصادی از جمله اعتمادپذیری، عدالت اجتماعی و اقتصادی، ثبات اقتصادی، اصل حاکمیت قانون، و احترام به مالکیت خصوصی را امکان‌پذیر کرد. یادآوری این نکته لازم است که آنچه در این جا در باب مبانی ضرورت جرم‌انگاری رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی ذکر می‌شود، انحصاری نیست و می‌توان موارد دیگری را نیز بر این فهرست افزود؛ اما مواردی که در این جا به آن‌ها پرداخته می‌شود، مهم‌ترین آن‌ها هستند.

۵-۱- مبانی اقتصادی

از جمله مبانی ضرورت جرم‌انگاری رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی می‌توان به لزوم رشد اقتصادی، رونق و جهش تولیدات داخلی، بهبود و ترمیم وضعیت اقتصادی کشور در شرایط خاص مثلاً در وضعیت تحریم اقتصادی شدید، و

حساسیت اعتماد و ثبات در عرصه عمومی اقتصاد اشاره کرد.

عوامل اقتصادی تأثیرات زیادی بر فعالیت‌های فردی از جمله ارتکاب جرم دارند، مخصوصاً اگر این عوامل اقتصادی، سطح نابرابری درآمد و فقر باشند (بونگر، ۱۹۱۶). بنابراین همان‌طور که پیشتر هم بیان شد، اقتصاد معیوب و فاسد می‌تواند تأثیر جدی بر ارتکاب جرم بگذارد و آنچه منتج به چنین اقتصادی می‌شود، رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی است.

در توجیه دیگر ضرورت جرم‌انگاری رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی، می‌توان به این نکته اشاره کرد که این جرایم، توانایی نظام اقتصادی را در توزیع مناسب ثروت و تسهیلات مالی و رفاهی می‌کاهند، و در نهایت، علاوه بر نظام اقتصادی، مردم جامعه نیز بزه‌دیده این جرایم واقع می‌شوند (پرت، ۲۰۰۴، ۱۲، ۶۶).

حال وضعی را تصور کنید که با جرم‌انگاری مناسب این رفتارها و اجرای دقیق قوانین بدون تبعیض، می‌توان نظام اقتصادی کشور را بهبود بخشید؛ دست صاحب منصبانی را که برای نمونه از تحریم‌های موجود منتفع می‌شوند، قطع کرد؛ از رانت‌خواری در صنایع مختلف، از جمله صنعت خودرو، چه در تولید و چه در واردات آن، تا حد زیادی کاست؛ و امثال این موارد که تحقق آن‌ها، باعث پویایی اقتصاد جامعه می‌شود و تا حد زیادی آن را ترمیم می‌کند.

همانطور که می‌دانیم مجرمان، به خصوص مجرمان اقتصادی و یقه سفید، افرادی محاسبه‌گر در ارتکاب اعمال مجرمانه خویش می‌باشند. این قاعده در خصوص افرادی که مرتکب رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی نیز می‌شوند جاری است. بنابراین آقای سزار بکاریا بر آن است که «انسان‌ها به پیشواز خطراتی می‌روند متناسب با نفعی که امیدوارند در انجام دادن موفقیت‌آمیز نقشه خود به دست آورند» (بکاریا، ۱۳۷۴، ۱۲۲). رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی، مصداق بارز اعمالی هستند که مستقیماً منابع مالی و اقتصادی را نشانه گرفته، به آن ضربه می‌زنند.

برخی از جامعه‌شناسان همچون لوی برول بر این باورند که ساختار اقتصادی هر جامعه در نظام حقوقی آن جامعه انعکاس دارد (لوی برول، ۱۳۸۸، ۸۱). قواعد مربوط به جرم‌انگاری نیز از این مورد مستثنی نیست. بدین ترتیب، تحول در حوزه جرم‌انگاری در اصلاح ساختار نظام اقتصادی جامعه، سهم بسزایی خواهد داشت.

۵-۲- مبانی جرم‌شناختی

همان‌گونه که پیش‌تر در سرآغاز این پژوهش بیان شد، به دلیل برخی از نابرابری‌هایی که در نظام‌های اقتدارگرا وجود دارد، مرتکبان رفتارهای ناپه‌نجار اقتصادی معمولاً از افراد ذی‌نفوذ و قدرتمند هستند. با توجه به این امر، نظام تقنینی نیز می‌تواند تحت تأثیر این نابرابری‌ها یا رانت و نفوذ افراد یادشده قرار گرفته، در جرم‌انگاری رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی اهتمام لازم را نداشته باشد. بنابراین می‌توان موضوع موردبحث را از نظر جرم‌شناسی، تحت عنوان «جرم‌شناسی انتقادی» بررسی کرد.

جرم‌انگاری به طور کلی یکی از مهم‌ترین ابزار مبارزه با رفتارهای مخاطره‌آمیز است. آنچه باید در جامعه عملی ناپسند جلوه کند، جرم است، نه کیفر آن؛ از این لحاظ اهمیت جرم‌انگاری در مرتبه نخست قرار خواهد گرفت. جرم‌انگاری تنها دستاویزی است که پای حقوق کیفری را در مبارزه با ناهنجاری‌ها به میان می‌کشد (توسلی‌زاده، ۱۳۹۲، ۲۱۲). در واقع، جرم‌انگاری که از جمله ابزارهای کیفری برای پیشگیری از بزهکاری اقتصادی (و همچنین در مورد رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی و فساد) در دنیا است، فرایندی است که از رهگذر آن، دولت رفتاری را ممنوع اعلام کرده، به آن خصیصه کیفری می‌دهد، و با توسل به کیفر، می‌خواهد مانع از ارتکاب آن رفتار شود. از این رو، ضمانت اجرای کیفری، پاسخ رسمی دولت به پدیده مجرمانه است که از رهگذر قواعد حقوقی کیفری اعمال می‌شود (محمودی جانکی، ۱۳۸۶، ۱، ۹۱).

شناسایی دقیق و جرم‌انگاری رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی را می‌توان اولین گام در راه مبارزه کیفری این گونه رفتارها دانست.

جرم‌انگاری رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی نه تنها امری ضروری به نظر می‌رسد، بلکه در برخی موارد، حتی مفروض دانستن رکن روانی در ارتکاب برخی از مصادیق رفتارهای مخاطره‌آمیز در حوزه اقتصادی، و مادی صرف قلمداد کردن آن، توجیه‌پذیر است. از این موارد می‌توان تحت عنوان «جرائم اقتصادی با مسئولیت مطلق» یاد کرد. از جمله دلایل طرح‌شده به نفع پیش‌بینی این رفتارها به عنوان «جرائم با مسئولیت مطلق» این است که با بالا بردن سطح مراقبت، از جامعه در برابر رفتارهای خطرناک، محافظت می‌شود (الیوت و کوپین، ۲۰۰۰، ۳۲). در نهایت، تمامی این موارد، کیفرگذاری چنین رفتارهایی را توجیه می‌کنند.

گذشته از موارد پیش‌گفته، نظر به این که معمولاً مرتکبان رفتارهای انحراف‌گونه اقتصادی را افراد یقه سفید و حسابگر تشکیل می‌دهند، وقتی به جرم‌انگاری این گونه رفتارها اقدام می‌کنیم، صرف‌نظر از بُعد پساگیری، سزادهی و اجرای عدالت، جرم‌انگاری، ریسک و هزینه ارتکاب چنین رفتارهایی را نزد مرتکبان بالقوه آن‌ها بالا می‌برد و نهایتاً منجر به پیشگیری از ارتکاب چنین رفتارهایی نیز می‌شود. به عبارت دیگر، وقتی مرتکب بالقوه رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی، دست به سنجش و محاسبه می‌زند که در صورت ارتکاب چنین رفتارهای نابهنجاری، با مجازات‌های سنگین روبه‌رو خواهد شد، از انجام آن اجتناب می‌ورزد؛ و عکس این مورد نیز متصور است.

از این رو، توجه و شناخت پتانسیل مجرمانه اشخاص، به‌ویژه اشخاص مسئولی که بر حسب وظیفه، اموالی در اختیار دارند، و پیش‌بینی و جرم‌انگاری جرائم مانع در مورد این نوع از افراد، برای پیشگیری از بروز مخاطرات اقتصادی در آینده، لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

۵-۳- مبانی جامعه‌شناختی

در حقوق کیفری راهکارهای سخت‌گیرانه‌ای برای پیشگیری از تجاوز به جامعه و نظم عمومی پیش‌بینی شده است؛ به گونه‌ای که قانون‌گذار در قوانین کیفری یا قوانین خاص، برخی از رفتارهای مغایر با هنجار اجتماعی را که به نوعی جامعه‌ستیزانه یا هنجارشکنانه بوده و شخص با قانون‌گریزی به دنبال برهم زدن نظم عمومی برمی‌آید، بر اساس مصالحی، پیش‌بینی و جرم‌انگاری کرده و برای آن مجازات تعیین کرده است (شمس ناتری و مقیمی، ۱۴۰۲، ۲۰۴).

البته بر اساس «اصل قانونی بودن جرم و مجازات»، برای وضع مجازات به یک رفتار ضدا اجتماعی، باید آن رفتار در قانون، جرم‌انگاری و برای آن مجازات مناسبی پیش‌بینی شده باشد. به عبارت دیگر، تا وقتی که برای رفتاری در قانون جرم‌انگاری نشده و مجازات برای آن تعیین نشود، آن رفتار جرم تلقی نمی‌شود، اگرچه اقدامی برخلاف هنجارهای اجتماعی باشد و به اصطلاح ضدا اجتماعی تلقی شود. با این توضیح، در صورتی که شخصی مرتکب رفتار مجرمانه شود و آن رفتار مجرمانه با روح و روان وی سازگار باشد، بدین معنا که ارتکاب آن رفتار را

می‌خواسته یا در مواردی با بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی، آن رفتار از وی سر زده، ولی آن رفتار با روح و روان جامعه سازگار نباشد، چنین شخصی را باید مجرم تلقی کرد (شمس ناتری و مقیمی، ۱۴۰۲، ۲۰۵).

در ایران اصل محوری سرمایه‌داری پذیرفته شده است و این به معنای به رسمیت شناختن اصل مالکیت شخصی است. وقتی رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی به وقوع می‌پیوندد و برخی با رانت یا هرگونه رفتار ناهنجار، وضعیت اقتصادی کشور را به مخاطره می‌اندازند، در میان افراد جامعه نوعی احساس سرشکستگی و سرخوردگی به وجود می‌آید؛ و وقتی افراد به این گمان می‌رسند که از راه نامشروع و ناهنجار، می‌توان به ثروت‌های هنگفت رسید، بیم تجربی دیگران نیز در آن مسأله افزایش می‌یابد. البته بر کسی پوشیده نیست که خود-کنترلی (Self control) تأثیرش بیشتر از کنترل‌های بیرونی است؛ اما برای نیل به این خصلت، باید عوامل بازدارنده‌ای اندیشیده شوند که در قالب ضمانت اجراهای کیفری، آن خصلت را تقویت و پشتیبانی کنند (کرول، ۲۰۰۰، ۱۲۱).

بنابراین جرم‌انگاری رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی و اجرای دقیق و قاطع قوانین آن، می‌تواند حس نابرابری، تبعیض و سرشکستگی را از جامعه دور کرده، تا حد زیادی به سلامت اجتماعی افراد جامعه و تبدیل نشدن آن افراد به مجرمان آتی، کمک کند.

۴-۵- مبانی سیاسی

با تأمل در قوانین جاری کیفری ایران، به نظر می‌رسد برخی رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی، مانند استفاده بعضی از مسئولان و تابعان آن‌ها از رانت‌های موجود، قابل تعقیب کیفری نیست. این امر با عنایت به اصل قانونی بودن جرم و مجازات که ماده ۲ قانون مجازات اسلامی نیز بدان اشاره دارد، دستگاه قضا را در برخورد با این افراد محدود می‌سازد. بنابراین نظر به این‌که افرادی که رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی دارند، غالباً اشخاصی هستند که برای نیل به اهداف نامشروع و کسب منفعت مالی خود، از رانت‌های سیاسی و اقتصادی بسیاری بهره می‌گیرند که از روابط عمیق با صاحب‌منصبان و افراد ذی‌نفوذ کشوری و لشکری نشأت گرفته‌اند، ضرورت جرم‌انگاری این‌گونه رفتارها را دوچندان کرده است. به نظر می‌رسد که اولویت قوه مجریه و نظام قضایی و به عبارتی کل نظام اسلامی، مبارزه با جرایم اقتصادی است. به عبارت دیگر، دامنۀ این جرایم تا آن‌جا است که شخص رهبر و رئیس جمهور و رئیس مجلس و رئیس قوه قضاییه، گروهی را تشکیل داده‌اند که به نوعی بر مبارزه با این جرایم نظارت کنند. این امر اهمیت مبارزه با این جرایم را گوشزد می‌کند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴، ۲۲۶۱).

همان‌گونه که در بحث آثار سیاسی رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی بیان شد، در صورت ارتکاب چنین رفتارهایی از سوی افراد دخیل در نظام سیاسی حاکم، ضمن این‌که میان مردم جامعه و نظام سیاسی، بدبینی و بی‌اعتمادی ایجاد می‌شود، بخش‌های خصوصی سالم بر اثر این بی‌اعتمادی، دیگر تمایلی به سرمایه‌گذاری در بخش‌های دولتی، بانک‌ها، بورس و ... نداشته، از این طریق، به نظام اقتصادی کشور نیز صدمات زیادی وارد

می‌شود. علاوه بر این، حتی ممکن است مردم جامعه بی‌اعتماد، مرتکب جرایمی همچون فرار مالیاتی، تحصیل و دخل و تصرف در اموال دولتی و ... شوند. بنابراین به منظور پیشگیری از این بی‌اعتمادی میان مردم و نظام سیاسی، و پیشگیری از آفات و جرایم ناشی از این بی‌اعتمادی، ضروری به نظر می‌رسد که رفتارهایی که تاکنون در این خصوص جرم‌انگاری نشده‌اند، مطمح نظر قانون‌گذار قرار گیرند. در پایان ذکر این نکته نیز جا دارد که برخی از جرایم سنتی نیز به جهت صدماتی که به جسم افراد وارد می‌کنند، خطرناک قلمداد می‌شوند، اما نباید این امر را نادیده گرفت که رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی، می‌توانند آثار غیرمستقیم بسیار سهمگین‌تری از آثار مستقیم جرایم سنتی داشته باشند و حتی منجر به مرگ انسان‌های بی‌شمار شود. تنها تفاوت میان این دو مورد، فاصله زمانی بین عمل و نتیجه حاصل از رفتار مجرمانه است.

۵-۵. مبانی فقهی

منابع فقهی بسیاری وجود دارد که کیفرگذاری در باب رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی را توجیه می‌نماید. در ادامه اقدام به برشمردن برخی از این موارد می‌نماییم.

بر مبنای قاعده‌ی فقهی "لاضرر" که یکی از مشهورترین قواعد می‌باشد، بر عدم مشروعیت ضرر رساندن به دیگران تأکید شده و هرگونه اضرار و ضرر در اسلام موکداً نفی شده است. لذا نظر به اینکه رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی، خواه یا ناخواه منجر به ضرر شدید دیگران حتی در گستره‌ی وسیع جامعه‌ی اسلامی می‌شوند، جرم‌انگاری آن با عنایت به این قاعده‌ی فقهی مشهور موجه می‌باشد.

دیگر اینکه در آیات گوناگونی از قرآن کریم، «اکل مال به باطل» درآمد‌هایی که فاقد مشروعیت می‌باشد، از دیدگاه خداوند متعال حرام و باطل می‌باشد. این مورد در آیه‌ی شریفه‌ی «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ (نساء: ۲۹) ای اهل ایمان! اموال یکدیگر را در میان خود به باطل [و از راه حرام و نامشروع] مخورید» مورد تأکید قرار گرفته است. همانطور که مشاهده می‌شود اعمال ارتكابی اشخاصی که مرتکب رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی می‌شوند از نظر شریعت مقدس اسلام بسیار نکوهید و جرم‌انگاری و برخورد شدید با آن ضروری و حتی تکلیف شرعی می‌باشد.

البته دین کارکرد دیگری نیز دارد. بدین توضیح با توجه به اینکه اخلاقیات را در جامعه ترویج می‌دهد، نوعی پلیس درونی و خودکنترلی را در شخص به وجود می‌آورد. بدین ترتیب دین و آموزه‌های اخلاقی در پیشگیری از بروز رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی نقش چشمگیری را بازی می‌کند. به تعبیری ارزش‌های اخلاقی ناظر بر مشاغل از مطلوبیت‌گزینه‌های مجرمانه می‌کاهد و اخلاق تجاری در بیشتر مواقع نقش اصلی در پیشگیری از چنین رفتارهایی را ایفاء می‌کند. لذا به همان میزان که تعلیمات تجاری و اقتصادی اهمیت دارد، تعلیمات اخلاقی نیز واجد اهمیت است.

(McGraw, Harrison & Moffeit, Kathy s. & Omally Jr, John, An Analysis of the ethical codes of corporations & business schools, journal of Business Ethics, springer, 2008, DOL 10. 1007, s10551 – 008 – 9865 – 2. P.1)

پس در نتیجه در گام نخست ارزش های دینی و اخلاقی بایستی در راستای پیشگیری از چنین رفتارهایی در جامعه مخصوصاً در سطح کلان ترویج شود و در صورت ارتکاب رفتارهای مذکور، با کیفرگذاری متناسب، واکنش نظام عدالت کیفری تنظیم گردد.

نتیجه گیری و پیشنهاد

به طور کلی رفتارهای مخاطره آمیز (چه از منظر اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و...)، به طور بالقوه و در مواردی بالفعل، در تمامی جوامع وجود دارد. جمهوری اسلامی ایران به دلیل حساس بودن شرایط موجود در معرض رفتارهای مخاطره آمیز اقتصادی قرار گرفته است. با وجود تلاش های بسیار برای پیشگیری و حتی پساگیری این گونه رفتارها با تصویب قوانین اقتصادی سخت گیرانه در برخی حوزه ها و ورود دستگاه های نظارتی، تاکنون توفیق چندانی در این زمینه، به دست نیامده است. پیشگیری از رفتارهای مخاطره آمیز اقتصادی، بدواً مستلزم شناخت بهتر زمینه های بروز این گونه رفتارها در مرتکبان و ریشه های آن در کشور است. باید بررسی کرد که چه عواملی باعث بروز چنین رفتارهای مخاطره آمیزی می شوند. با عنایت به این که مرتکبان این گونه رفتارها، غالباً از زمره افراد حساب گر و باهوش به شمار می آیند، وقتی آن ها در حوزه عدالت کیفری خلأ قانونی می یابند، در محاسبات خویش ریسک ارتکاب رفتارهای مخاطره آمیز اقتصادی را در مقایسه با سازوکارهای برخورد قضایی با آن، بسیار پایین و حتی صفر می بینند، و در نتیجه، دست به سوءاستفاده از آن خلاها کرده، به ارتکاب چنان رفتارهایی دست می زنند. بنابراین جرم انگاری این قبیل رفتارها در این حالت، ضرورت می یابد و با جرم انگاری، هزینه ارتکاب رفتارهای مخاطره آمیز اقتصادی، هزینه ارتکاب برای مرتکبان بالا می رود. ضرورت چنین جرم انگاری هایی علاوه بر جنبه پساگیری و سزادهی، با این وصف، جنبه پیشگیری از ارتکاب چنین رفتارهایی را نیز دارد.

متأسفانه با وجود این که سالیان سال است که اصطلاح جرم اقتصادی در ادبیات حقوقی ایران رواج پیدا کرده، تاکنون نه تنها در مواد قانونی تعریفی از آن به دست ندادند، بلکه اساتید حقوق نیز به تعریف واحدی از آن نرسیده اند و تنها به جرم انگاری مصادیقی از آن اکتفا شده است. در نتیجه، ما در تبیین جرم اقتصادی دچار خلأ هستیم، چه برسد به رفتارهای مخاطره آمیز اقتصادی که اساساً جرم انگاری نشده است.

بنابراین ضروری به نظر می رسد که ضمن ارائه تعریف دقیق و جامعی از رفتارهای مخاطره آمیز اقتصادی، نسبت به جرم انگاری رفتارهای ناقض هنجارهای اقتصادی، حتی به عنوان یک جرم مانع یا شروع به جرم، از ارتکاب چنین رفتارهایی بکاهیم.

در کنار تقبیح کیفری و جرم انگاری رفتارهای مخاطره آمیز اقتصادی، باید اقدامات و آموزش های فرهنگی-اخلاقی نیز در جامعه صورت بگیرد؛ با این توضیح که ترویج فرهنگ قناعت پذیری، ارتقای روحیه قانون گرایی و باورهای دینی، در پیشگیری از رفتارهای ناقض هنجارهای اقتصادی، نقش اساسی دارند. البته فرهنگ قناعت پذیری را بدواً باید در وجود مسئولان و دولتمردان، نهادینه کرد؛ و پس از آن، در سطح جامعه

آن را مطرح کرد. در صورتی که عموم مردم جامعه نظاره‌گر تبلیغ و ترویج فرهنگ قناعت‌پذیری از سوی طبقه حاکم باشند، اما مشاهده کنند که همان طبقه، زندگی اشرافی و سطح رفاه بالایی دارند، نه تنها فرهنگ‌سازی در این حوزه صورت نمی‌پذیرد، بلکه نتیجه عکس آن را نیز خواهیم دید. در پایان این پژوهش به منظور برون‌رفت، پیشگیری و مقابله با رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی، این موارد پیشنهاد می‌شود:

۱- هم‌اندیشی درباره تعریفی شفاف از رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی در قوانین کیفری و ارائه آن، و جرم‌انگاری و تعیین ضمانت اجرای کیفری متناسب در صورت تخطی از رفتارهای متعارف اقتصادی. با جرم‌انگاری دقیق این رفتارها، همان‌طور که به تفصیل بیان شد، علاوه بر پساگیری، شاهد پیشگیری از ارتکاب آن رفتارها نیز خواهیم بود.

۲- برای پیشگیری از ارتکاب رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی در سطح کلان، شخصیت‌شناسی و بررسی ظرفیت جنایی افرادی که در رأس امور کشوری و لشکری مسئولیتی به عهده می‌گیرند، ضروری به نظر می‌رسد؛ زیرا اگر بتوانیم رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی را در سطح کلان کنترل کنیم، در سطح خرد نیز در مقابله با چنین رفتارهایی پیروز خواهیم بود.

۳- اجرای واقعی و اهمیت دادن به فرمان ۸ ماده‌ای مقام معظم رهبری در زمینه مقابله با مفاسد و انحرافات اقتصادی توسط دولت و مجلس.

۴- تدوین صلاحیت عمومی و تخصصی احراز پست مدیریت ورزشی کشور

۵- خصوصی‌سازی باشگاه‌های ورزشی با نظارت دقیق مجلس شورای اسلامی، سازمان بازرسی کل کشور و نهادهای ذی صلاح.

۶- اصلاح برخی مفاد اساسنامه‌های فدراسیون‌های ورزشی مرتبط با ساختار انتخابات استانی و ملی.

۷- راه‌اندازی کمیته ضدفساد مستقل در سطح وزارتی (تقویت کنترل بیرونی)

۸- تقویت کمیته اخلاق و کمیته انضباطی مستقل در فدراسیون‌ها (تقویت کنترل داخلی)

۹- ایجاد سازوکار مناسب جهت شناسایی و گزارش‌دهی فساد در ورزش و تقویت مشارکت اجتماعی در این زمینه از طریق سامانه سوت‌زنی

۱۰- راه‌اندازی واحد مبارزه با فساد در ورزش ذیل پلیس امنیت اقتصادی فراجا با هدف پیشگیری، شناسایی و تحقیق در مورد فساد مالی در ورزش.

۱۱- تقویت نقش نظارتی هیئت‌رئیس فدراسیون‌های ورزشی با تضامنی کردن مسئولیت اعضا در قبال تخلفات.

۱۲- تشکیل دادگاه (شعبه) تخصصی رسیدگی به فسادهای ورزشی توسط قوه قضائیه.

منابع

- بکاریا، سزار، رساله جرایم و مجازات‌ها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴.
- توسلی‌زاده، توران، پیشگیری از جرایم اقتصادی، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل: جاودانه، ۱۳۹۲.
- حسینی، جعفر، معیارهای جرم‌انگاری اقتصادی در نظام اقتصادی مختلط، رساله دکتری به راهنمایی نسرين مهرا، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، ۱۳۹۳.
- خبرگزاری ایرنا، کد خبر ۸۵۱۰۱۳۱۷، ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۲.
- خبرگزاری ایسنا، مصاحبه محمدباقر نوبخت، کد خبر: ۶۰۵۱۲۲، تاریخ انتشار: ۲۱ تیرماه ۱۳۹۵.
- خبرگزاری تسنیم، کد خبر: ۵۲۹۵۳، ۶ تیرماه ۱۴۰۱.
- دنیایی، حسن، حسینی، سید عماد، محمدی، نصرالله، شناسایی عوامل مؤثر در پول‌شویی در ورزش، فصلنامه مطالعات مدیریت ورزشی، دوره ۱۱، شماره ۵۵، مرداد و شهریور ۱۳۹۸، صفحه ۱۷-۳۴.
- رنجبر، صادق، انواع فساد در ورزش و راهکارهای مقابله با آنها (۱۹۴۸۳)، ماهنامه گزارش‌های کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره ۵، دی ماه ۱۴۰۲، ۱-۳۴.
- شفیعی، شهرام؛ افروزه، حکیمه. «شناسایی و تبیین مؤلفه‌های مؤثر در بروز فساد در فوتبال ایران.» «مطالعات مدیریت ورزشی» (۱۳۹۷). شماره ۴۷، ص ۳۹-۶۶.
- شمس ناتری، محمدابراهیم، مقیمی، ابراهیم، مخاطرات و حقوق، چاپ اول، تهران، نشر میزان، بهار ۱۴۰۲.
- گسین، ریمون، جرم‌شناسی بزهکاری اقتصادی نظریه عمومی تزویر، ترجمه شهرام ابراهیمی، چاپ سوم، انتشارات بنیاد حقوقی میزان، زمستان ۱۳۹۳.
- لوی برول، هانری، جامعه‌شناسی حقوق، ترجمه سید ابوالفضل قاضی، چاپ یازدهم، تهران، میزان، ۱۳۸۸.
- محمودی جانکی، فیروز، «مفهوم آزادی و نسبت آن با جرم‌انگاری»، مؤسسه تحقیقاتی علوم جزایی و جرم‌شناسی، علوم جنایی، شماره ۱، ۱۳۸۶.
- مصطفی‌پور، منوچهر، «بررسی جرایم اقتصادی در ایران و راهکارهای پیشگیری از آن‌ها»، مجله اقتصادی، شماره ۳-۴، تیرماه ۱۳۹۵.

مهدوی پور، اعظم، سیاست کیفری افتراقی در قلمرو بزهکاری اقتصادی، چاپ نخست، تهران، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۰.

میرسعیدی، منصور، زمانی، محمود، «جرم اقتصادی؛ تعریف یا ضابطه؟»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره چهارم، پاییز ۱۳۹۲.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین، درآمدی بر جرم‌شناسی بزهکاری اقتصادی و حقوق کیفری اقتصادی، تقریرات درسی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۴.

نجفی کلوری، مقصود؛ حامی، محمد؛ شجاعی، وحید؛ باقریان فرح آبادی، محسن. «شاخص ها و مؤلفه های اثرگذار بر فساد مالی در صنعت ورزش ایران (اکتشاف و روایی سنجی با رویکرد آمیخته)» «نشریه مدیریت ورزشی» انتشار آنلاین (۱۴۰۰).

- Becher, Jean-luc, Queloz, Nicolas, "La Criminalite Economique et sa Regulation", Luniversite de Fribourg (Suisse), 2007.

- Becker, Gary, "The Economics of Crime", *Federal Reserve of Richmond* Vol. 12, 1995.

- Bonger, W, Criminality & Economic Conditions, Boston, Massachosetts, Little, Brown and Company (Translation of Criminalite et Coditions Economiques ۱۹۰۵), ۱۹۱۶.

- Croal, Hazel, Understanding white collar crime, Open University Press, 2000.

- Elliot, Catherine, Quinn, Frances, Criminal law, third edition, Pearson Education limited, England, 2000.

- Lacassagne, Alexandre, «Les transformations du droit pénal et les progrès de la médecine légale, de 1810 à 1912», Archives d'anthropologie criminelle, 1913.

- Lopez-Rey, Manuel; Crime an Analytical Appraisal, Routledge, Reprinted ۲۰۰۱.

- Pratt, Richard, "Economic crime: The Financial System as a Victim", Journal of Financial Crime, Henry Stewart Publications, vol 12, 2004.

- Report of the Eleventh United Nations Congress on Crime Prevention and Criminal Justice, Bangkok, 18-25 April 2005, Recital 178.

Bricknell S. Corruption in Australian sport. Trends and Issues in Crime and Criminal Justice [electronic resource]. 2015 Feb 1(490):1-1.

- Ong AS. Think First, Act Later, or Act First, Think Later: Does the Fraud Triangle Hold When Individuals are Impulsive. *Journal of Forensic and Investigative Accounting*. 2022 Jan;14(1):11-38.
- Saluja S, Aggarwal A, Mittal A. Understanding the fraud theories and advancing with integrity model. *Journal of Financial Crime*. 2022 Sep 30;29(4):1318-28.
- Peiffer C, Marquette H. Theoretical (mis) understanding? Applying principal-agent and collective action theories to the problem of corruption in systemically corrupt countries. *Ethics in public policy and management: a global research companion*. 2015 Aug 14:109-26.
- Frunza, C. M. (2016). The link between the betting industry and financial crime. *Solving modern crime in financial markets*. 77-121.
- Glaser, B. G. (1992). *Basics of grounded theory analysis: Emergence vs forcing*. Sociology press.
- Hugel, P., & Kelly, J. (2003). Internet gambling, credit cards and money laundering. *Journal of Money Laundering Control*, 6(1), 57-65.
- Hwang, G. (2016). Understanding sport corruption: An examination of people's perceptions toward corruptions. *Psychology*, 6(4), 250-7.
- James, R. R. (2007). *Transnational organizations cyber-crime., Electronic banking system and money laundering: A handbook for law enforcement officers* (12-9). Florida: CRS Press.
- Jayasree, V., & Siva Balan, R. V. (2017). Money laundering regulatory risk evaluation using bitmap index-based decision tree. *Journal of the Association of Arab Universities for Basic and Applied Sciences*, 23, 96-102.
- Johnson, G. (2006). *Football and gangsters*. Edinburgh: Mainstream Publishing.
- Kulczycki, W., & Koenigstorfer, J. (2016). Why sponsors should worry about corruption as a mega sport event syndrome. *European Sport Management Quarterly*, 16(5), 545-74.
- Mason, D. S., Thibault, L., & Misener, L. (2006). An agency theory perspective on corruption in sport: The case of the international Olympic committee. *Journal of Sport Management*, 20(1), 52-73.
- McCarthy, K. J., Santen, P. V., & Fiedler, I. (2015) Modeling the money launderer: Micro theoretical arguments on anti-money laundering policy. *International Review of Law and Economics*, 43, 148-55.
- Nunnally, J. C. (1978). *Psychometric theory* (2nd ed.). New York: McGraw Hill.
- Roberts, S., Chadwick, S., & Anagnostopoulos, C. (2018). Sponsorship programmes and corruption in sport: Management responses to a growing threat. *Journal of Strategic Marketing*, 26(1), 19-36.

Strauss, A., & Corbin, J. (1998). Basics of qualitative research techniques. London: Sage Publications.

The Football Association. (2008). Money laundering and the proceeds of crime act: Guidance for football clubs. London: The football association, London.

Vandezande, N. (2017). Virtual currencies under EU anti-money laundering law. Computer Law & Security Review, 33(3), 341-53.

Yousefi Sadeqlo, A., & Daneshjo, A. (2015). Challenges and defecations to prevention money laundering in Iran`s law. Journal of Research on Criminal and Private Law, 12(3), 53-72.)Persian).

□. در واقع اصطلاح «جرایم بدون بزهکار» به مواردی اطلاق می‌شود که رفتار افراد در ظاهر، موجه و قانونی است، و فعالیت ایشان در ابتدای امر، ظن به ارتکاب جرم را برنمی‌انگیزد. در این رفتارهای مخاطره‌آمیز، شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی، غالباً به طور مستقیم از ارتکاب آن متضرر نمی‌شوند. ممکن است تمام جامعه از ارتکاب چنین اقداماتی متضرر شوند؛ اما به دلیل ابتلای عمومی جامعه به این مصیبت، این اقدامات معمولاً بزه‌دیده مستقیم ندارد. مرتکبان رفتارهای مخاطره‌آمیز، در واقع، تبه‌کارانی هستند که با ایشان به عنوان تبه‌کار قانونی یا قضایی رفتار نمی‌شود. به عبارت دیگر، این رفتارها به لحاظ قانونی بزه‌کار ندارند؛ درحالی‌که وجدان عمومی، چنین رفتارهای مخاطره‌آمیز اقتصادی‌ای را جرم تلقی می‌کند.

□□. برای درک مفهوم جرایم بدون بزه‌دیده ر.ک: رهامی، محسن؛ و دیگران، جرایم بدون بزه‌دیده، تهران، نشر میزان، چاپ دوم، زمستان ۱۳۸۹.